



سه عضو باندی که در خیابان ها و مقابل کافه ها اقدام به گردنبند قاپی می کردند، بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار جام جم، از چندی قبل شکایت هایی در دستورکار مأموران پلیس تهران قرار گرفت که نشان می داد افرادی با کمین در اطراف خیابان ها و کافه های شمال پایتخت به زنانی که درحال صرف نوشیدنی بودند، حمله ور شده و گردنبندهای آنها را به سرقت می بردند. همزمان با افزایش شکایت ها، تحقیقات مأموران کلانتری قلهک ادامه یافت تا این که دو نفر از متهمان هنگام سرقت شناسایی و بازداشت شدند. این در حالی بود که یکی از متهمان نیز در جریان تعقیب و گریز پلیسی هدف شلیک گلوله قرار گرفت و از ناحیه پا زخمی و در ادامه دستگیر شد.

متهمان در مواجهه حضوری با شاکیان به سرقت از زنان اعتراف کردند. یکی از متهمان در تشریح ماجرا گفت: سال ۸۸ عضو یک باند سرقت شدم. آنها افرادی را که برای دریافت پول نقد به بانک مراجعه می کردند، فریب داده و

محاکمه مدیر بومگردی

به اتهام قتل دختر جوان



مدیر بومگردی به اتهام قتل دختر جوان در ارتفاعات دماوند پای میز محاکمه ایستاد و منکر قتل شد. به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی این پرونده از اردیبهشت ۱۴۰۴ و با کشف بقایای جسد دختر جوانی در ارتفاعات جابان دماوند آغاز شد. دو مرد افغان که برای جمع کردن قارچ به آن منطقه رفته بودند با بقایای جسد روبه رو شدند و با پلیس تماس گرفتند. مأموران در بررسی های خود متوجه ناپدید شدن دختر جوانی در اسفند ماه در آن منطقه شدند. این دختر برای غارنوردی از یک بومگردی خارج شده و دیگر بازگشته بود. با بررسی دی آن ای مشخص شد جسد متعلق به دختر ۳۰ ساله است. به این ترتیب با شکایت اولیای دم، مدیر بومگردی به اتهام قتل دستگیر اما در تحقیقات منکر کشتن دختر جوان شد. در ابتدا برای او قرار منع تعقیب صادر شد که با اعتراض اولیای دم کیفرخواست صادر شد. در جلسه محاکمه در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران، اولیای دم برای

قاتل دخترشان درخواست قصاص کردند.

سپس متهم در جایگاه ایستاد و گفت: اسفند سال ۱۴۰۳ تصمیم گرفتم برای بومگردی یک کارمند استخدام کنم و آگهی دادم. بعد دختر جوان برای کار تماس گرفت. او پیش از این مهمان بومگردی بود. گفتیم از تهران تا اینجا دو ساعت راه است و تردد برای تو سخت می شود که گفت می توانم. اولین روز در خانه ام در تهران بودم که با دختر جوان قرار گذاشتم و او را تا بومگردی آوردم. برایم کاری پیش آمد و مجبور شدم برگردم. حدود شش ساعت بعد کارگر افغان بومگردی تماس گرفت و خبر داد دختر جوان به سمت غار رفته و دیگر بازنگشته است. گفتیم یکی از کارگران را دنبالش بفرست. دو ساعت بعد کارگرم دوباره زنگ زد و گفت کسی را فرستاده اما دختر جوان را پیدا نکرده است. وی ادامه داد: با کلانتری محل تماس گرفتم اما گفتند صبر کنید، چون گردشگر است بر می گردد. فردای آن روز با خانواده دختر تماس گرفتم اما پیگیری نشدند. چند روز بعد دوباره تماس گرفتم و گفتم کوله خاورهتان اینجاست که خواستند آن را به میدان ولیعصر ببرم. سرانجام اردیبهشت ماه جسد پیدا شد. من در قتل این دختر نقشی نداشتم و جسد جایی صعب العبور افتاده بود و کسی نمی توانست بعد از قتل آن را به آنجا انتقال دهد.

پس از دفاعیات متهم و وکیلش، قضات برای تصمیم گیری وارد شور شدند.

دزدی از زنان کافه نشین



گفت: ۴۲ ساله ام و ۱۸ سال از عمرم را بابت سرقت در زندان های مختلف گذرانده ام. اولین سرقتم را سال ۷۹ انجام دادم که به کانون اصلاح و تربیت فرستاده شدم. بعد از آن زندگی ام عوض شد و به

خلاف های بیشتر رو آوردم. با موتورسیکلت در خیابان زنان را تعقیب و طلاهای شان را سرقت می کردم یا وقتی می دیدیم در محوطه بیرونی کافه ها نشسته اند به آنها نزدیک می شدم و در

ادعای عجیب برای قتل مرد جوان



قرار گرفت و مدعی شد روز حادثه همراه سارا راهی لوسان شده بودند که در مسیر با فریدون روبه رو شدند. به گفته او، فریدون پیشنهاد کرد همراه آنها برود و سه نفری راهی لوسان شدند. یاسین ادامه داد که در لوسان چادر زدند و پس از مدتی، او برای خرید غذا از چادر خارج شد اما وقتی برگشت، صدای فریادهای سارا را شنید. به گفته خودش، وقتی به چادر رسید، فریدون را دید که دست سارا را گرفته و قصد آزار او را دارد. او مدعی شد با دیدن این صحنه با فریدون درگیر شده و او را زده است. یاسین گفت بعد از درگیری، فریدون مرده بود و او از محل خارج شد. سپس با سارا ازدواج کرد. خانه اش را تغییر داد و زندگی مشترک آنها آغاز شد تا این که شش ماه بعد پلیس او را شناسایی و دستگیر کرد. سارا نیز در دفاع از خود، روایت یاسین درباره تعرض را تأیید کرد اما گفت در قتل هیچ نقشی

جنایت مستانه در پارک

ارتباط نبودم و کسی از مخفیگاهم خبر نداشت. زیاد از خانه بیرون نمی رفتم و در خانه باغ بودم. فقط برای خرید مایحتاج بیرون می رفتم اما چند روز قبل وقتی بیرون رفتم تا مواد خوراکی و نان بخرم با مردی در روستا برخورد کردم و با او دعوای مان شد. زد و خورد کردیم و دنبالم بود که فرار کردم اما همین دعوا، مخفیگاهم را لو داد و دستگیر شدم.

سالار صنعتگر، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف اولیه متهم، او در بازداشت به سر می برد و تحقیقات برای مشخص شدن انگیزه اش از جنایت ادامه دارد.

یک چشم برهم زدن گردنبند طلای شان را به سرقت می بردیم. در طول روز شاید چهار سرقت را انجام می دادیم.

وی افزود: زمانی که دستگیر شدم هم قصد سرقت گردنبند طلای زنی را داشتم و هنگامی که به قصد سرقت حرکت کردم، ما را گرفتند. ابتدا موتور را رها و پیاده فرار کردم اما پلیس شلیک کرد و چهار گلوله به من اصابت کرد که در نهایت دستگیر شدم.

یکی از زنان شاکی در مواجهه با سارقان گفت: سوار خودرویم از باشگاه بازی گشتم و وارد یک کوچه شدم که در همان حال موتورسیکلتی از کنارم عبور کرد اما فاصله اش به گونه ای بود که مجبور شدم توقف کنم و بعد به مسیر ادامه دهم. چند ثانیه بعد، یک نفر دستش را از شیشه خودرو داخل آورد. لباس من را گرفت، به سمت شیشه کشید و گردنبندم را که ۱۵ گرم بود سرقت کرد.

با اعتراف متهمان پرونده، آنها در بازداشت به سر می برند و تحقیقات برای راگزشایی از دیگر سرقت های شان ادامه دارد.

نداشته است. او مدعی شد وقتی یاسین برای خرید از چادر خارج شد، فریدون به سمت او حمله کرده و قصد تجاوز داشته است. سارا گفت مقاومت کردم، فریاد زدم و تلاش کردم خودم را نجات دهم تا این که یاسین از راه رسید و با فریدون درگیر شد. در پایان نخستین محاکمه، قضات شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران بار د ادعای متهمان، هر دو متهم را به قصاص محکوم کردند اما با اعتراض متهمان به حکم، پرونده برای بررسی به دیوان عالی کشور رفت. قضات دیوان عالی کشور پس از بررسی پرونده، اعتراض متهمان را وارد دانستند و هر دو حکم قصاص را نقض کردند. به این ترتیب پرونده برای رسیدگی دوباره به شعبه هم عرض فرستاده شد. این بار پرونده در شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران بررسی شد و یاسین و سارا بار دیگر مقابل قضات ایستادند. اولیای دم همچنان بر درخواست قصاص یافشاری کردند اما یاسین این بار جزئیات تازه ای از حادثه مطرح کرد. او گفت: «من به خاطر ناموسم با سنگ به سر فریدون زدم. او می خواست نامزدم را آزار دهد اما سارا هیچ نقشی در قتل نداشت. وقتی من و سارا چادر را ترک کردیم، فریدون هنوز زنده بود و نفس می کشید. من نمی دانم چه کسی پارچه را دور گردنش پیچیده و او را خفه کرده است.» سارا نیز در دومین جلسه دادگاه همچنان اتهام مشارکت در قتل را رد کرد. او گفت فریدون قصد تجاوز به او را داشته، مقاومت کرده و یاسین پس از شنیدن فریادهایش وارد چادر شده است اما خودش هیچ نقشی در قتل نداشته است. قضات وارد شور شدند و دوباره متهمان را به قصاص محکوم کردند. این بار حکم به دلیل مشخص نکردن تفاضل دیه نه نقض و به شعبه دهم دادگاه کیفری بازگشت. اولیای دم در این جلسه دوباره قصاص خواستند و متهمان هم دفاعیات قبلی خود را تکرار کردند و یاسین مدعی شد قتل را به تنهایی انجام داده و سارا نقشی در ماجرا نداشته است. قضات پس از رسیدگی برای صدور حکم وارد شور شدند.



شاکی در غرب تهران را به صورت جعلی به نام فرد دیگری منتقل کرده و سند جدید صادر شده است، در ادامه تحقیقات، کارآگاهان به سرخ هایی از فعالیت یک کلاهبردار حرقه ای رسیدند که با تشکیل باندی، املاک شهروندان در مناطق مرفه نشین پایتخت را شناسایی می کردند. اعضای این باند پس از شناسایی املاک، با تنظیم مایعه نامه های جعلی، آنها را با قیمت هایی پایین تر از ارزش واقعی به فروش می رساندند. تحقیقات همچنین نشان داد اعضای باند برای تغییر شماره تلفن مالکان در سامانه ثنا، افرادی را که شباهت ظاهری به مالک اصلی داشتند شناسایی می کردند و پس از گرییم، آنها را به دفاتر خدمات قضایی می فرستادند تا شماره تلفن ثبت شده در سامانه ثنا را تغییر دهند. با کشف این شگرد، کارآگاهان تحقیقات خود را برای شناسایی اعضای باند ادامه دادند و سرانجام پس از دو سال موفق شدند آنها را شناسایی و دستگیر کنند. متهمان پس از دستگیری و اعتراف به اقدامات خود، برای رسیدگی قضایی و ادامه تحقیقات به دادسرا تحویل داده شدند.

جام جم

حوادث

INCIDENT

چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ | شماره ۷۳۹۵

🕒 کوتاه از حوادث

آتش ۱۰۰ مغازه در گرگان

۱۰۰ مغازه قدیمی در میدان شهرداری گرگان در میان شعله های آتش سوختند. به گزارش روابط عمومی دادگستری حیدر آسیایی، مدیرکل دادگستری گلستان در این باره گفت: شامگاه دوشنبه ۲۶ مرداد، وقوع حادثه آتش سوزی در مغازه های میدان شهرداری گرگان اعلام شد. با هماهنگی قضایی، نیروهای امدادی به همراه آتش نشان هادر محل حاضر شدند و معلوم شد در مجموعه ای از مغازه های قدیمی ضلع غربی میدان که بازار نعلبندان بود، آتش سوزی آغاز شده و به تعدادی از واحدهای تجاری اطراف سرایت کرده است. این حادثه باعث شده بود که حدود ۱۰۰ مغازه در میان شعله های آتش گرفتار شوند.

وی افزود: از دقایق نخست وقوع حادثه، نیروهای آتش نشانی و امدادی در محل حاضر شدند و مسئولان قضایی، شهردار گرگان، فرمانده سپاه و فرماندهان نظامی و انتظامی نیز برای مدیریت شرایط در محل حادثه حضور یافته و به امداد رسانی پرداختند. با تلاش نیروهای آتش نشانی، حریق کنترل و ساعاتی بعد شعله های آتش خاموش شد. طبق تحقیقات اولیه، علت وقوع این حادثه، شروع آتش سوزی از یک مغازه و سرایت آتش به مغازه های دیگر بوده که تاکنون شاهدهی بر عمدی بودن حادثه وجود ندارد و بعد از تحقیقات تکمیلی کارشناسی، علت آن مشخص و اعلام خواهد شد.

سرقت انگیزه جنایت

مردی که به انگیزه سرقت طلاهای زن میانسال او را به قتل رسانده بود، بازداشت شد. مصطفی احسانی، فرمانده انتظامی که جنار به سایت پلیس گفت: هفته گذشته و به دنبال اعلام گزارش قتل زنی ۵۵ ساله در باغی در محور ابوالحیات به دشت ارژن از توابع شهرستان کونار چهار باطناب، تحقیقات پلیسی در این باره آغاز شد. در ادامه رد فردی در این جنایت به دست آمد و او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. سرانجام متهم در مخفیگاهش شناسایی و بازداشت شد. متهم ۴۶ ساله انگیزه خود را اختلاف قبلی و سرقت طلاهای مقتول اعلام کرد. در بازرسی از مخفیگاه قاتل ۵۰ گرم طلای مسروق به ارزش ۱۰ میلیارد ریال کشف شد.

سقوط مرگبار زنی در دعوی زوج جوان

زن جوان که هممان مردی در دفتر کارش در شهرک غرب تهران بود، وقتی دید همسر وی سررسیده، از تراس طبقه چهارم سقوط کرد. به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۵ بامداد سه شنبه بیست وهفتم مرداد، مأمور کلانتری شهرک غرب با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از فوت زنی ۳۰ ساله بر اثر سقوط از ساختمانی در شمال غرب تهران خبر داد. تیم جنایی با حضور در محل و تحقیق از ساکنان، متوجه شد او از پنجره طبقه چهارم ساختمان که دفتر کار مردی ۳۵ ساله بوده، سقوط کرده است. همسر مالک آپارتمان در تحقیقات گفت: این آپارتمان محل کار شوهرم است. مدتی است با هم دچار اختلاف شده و درگیر بودیم. او دوشنبه شب به خانه نیامد و تلفن همراهش را هم جواب نمی داد. به همین دلیل مقابل دفتر کارش رفتم. در راباز نکرذ. ساعتی بعد با کلید ساز برگشتم و خواستم قفل را باز کنم که خودش در را باز کرد. در حال بحث با شوهرم بودم که صدای بازوبسته شدن و سپس جیغ و فریاد شنیدیم. به سمت پنجره که رفتم، جسد زن را بین افتاده بود.

مرد جوان در تشریح ماجرا نیز گفت: من و همسرم دچار اختلاف های شدیدی با هم شده بودیم و می خواستم از او جدا شوم. در این گیرودار با زن جوانی آشنا شدم که در زمینه خریدوفروش خودرو فعالیت داشت. ارتباط مان شکل گرفت و حتی قرار بود خودرویی را با قیمت مناسب برایم جور کند تا بخرم. آن شب من برای گفت وگو درباره همین معامله، به شرکتی در شمال غرب تهران آمده بود. مشغول شام و گفت وگو بودیم که سروکه همسرم پیدا شد. منتظر ماندم تا برود اما دست بردار نبود. وقتی در را باز کردم، زن هممان که ترسیده بود، به سمت تراس رفت و پنهان شد. همسرم همه جا را جست و جو می کرد که ناگهان صدای جیغ شنیدیم. سریع به سمت تراس رفتم که دیدم زن هممان به پایین سقوط کرده و فوت شده است.

رضا اعلائی، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: به نظرمی رسد زن جوان قصد پنهان شدن در تراس را داشته که دچار حادثه و سقوط مرگبار شده است اما تحقیقات همچنان در این باره ادامه دارد.